

بناگاه‌های صنعتی

و «وارونگی» نظام حکمرانی!

آنچه در واقع در فضای سیاست‌گذاری و اقدامات اجرایی دولت در حوزه صنعتی ونظام‌بنگاهداری کشور حاکم‌است، تداوم «بقا»ست و «توسعه» از دستور کار خارج شده‌است، چنانکه نهاد دولت در نقش «سیاستگذار» در قالب همین سناریوی تداوم «بقا» بسته‌های حمایتی نظیر پرداخت تسهیلات «۷۰۰ هزار میلیارد تومانی را طراحی و اجرایی کرده‌است(هر چندفعالان اقتصادی وار جمله بیس اتاق ایران از عملیاتی نشدن این وعده گلایه‌مندنددولت مدعی پرداخت این تسهیلات است - ایسنا- ۱۳۸۰/۵/۱۴). در جلسات فعالان اقتصادی وصنعتی نیز مسوولان دولتی به تشریح این اقدامات حمایتی پرداخته‌وبه این فعالان روحیه می‌دهند که دولت پشتیبان امر تولید و صنعت و…است. «بولتاز هیچ تلاشی برای به حرکت در آمدن چرخ تولید واقتصاد کشور در پیغ نخواهد کرد و مشخصا جدیدت پیگیر رفغ موانع پیش روی صنایع وواحدهای تولیدی هستیم.» (بزرگشکان -جسی در اتاق ایران -۱۴۰۵/۳/۱۴) آنچه‌اما در مجموع بر فضای اقتصاد و صنعت و سه ضلع «بناگاه»، «خانوار» و «دولت» حاکم است تعلیق و حاکمیت «بقا» به جای «توسعه» است. چنانکه «بناگاه» به جای توسعه ظرفیت به حفظ وضع موجود می‌اندیشد و «خانوار» به جای بهبود فاقه، به مدیریت نااطمینانی روزمره روی آورده و «سیاستگذار» به جای اصلاحات ساختاری به کنترل های کور تا کمندت بسته می‌کنددر چنین بستری توسعه‌اساسا از دسترس خارج می‌شود و «بهتر شدن دیگر انتظار غالب نیست» و «ادامه دادن» به هدف تبدیل می‌شود.» (علی صادق همدانی -۱۴۰۵/۲/۲۹) این وضعیت البته در تریاظ با وضعیت جنگی در کشورمان در قالب «نظر به دولت جنگی» صورتحقق و توجیه می‌شود. (انور نیوز- ۱۴۰۵/۳/۲۳) مسأله‌ساقه‌اما وضعیت بقا به جای توسعه حدیث بی‌روز و امروز مبین مان نبوده‌است و چنددهو بلکه یک قرن است که در این وضعیت تعلیق بسر می‌بریم. از زمان یاجعیر صنعت جدید در کشور و نقای تدوین «پروگرام جامع» لزوم پروگرام صنعتی - علی زاهدی - (۱۳۱۱) تا نمانی «استراتژی (راهبرد) توسعه صنعتی» (مسعودنیلین -۱۳۲۸) با «وارونگی» تنش نظام حکمرانی در این روند توسعه صنعتی مواجه بوده‌یم چرا که اگر چهار نقش نظام حکمرانی استپه‌نگاری بر این روند تأمین صلح، ثبات اقتصادی، امنیت، حقوق مالکیت و زیر ساخت‌ها، محدودکنندگی در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست، حمایت اجتماعی و انتخاب پشیران های توسعه بدانیم، در اقتصاد کشورمان این نقش‌ها «وارونه» شده‌و در نتیجه در حوزه‌هایی که نظام حکمرانی باید تسهیلگر باشد محدودکننده بوده‌و در مقابل در حوزه‌هایی که باید اعمال محدودیت کند، تصمیم‌های تسهیلگر در مسیر تخریب منابع طبیعی اتخاذ کرده‌است. در نتیجه زنجیرهای از اقدامات معیوب شکل گرفته‌است که به تضعیف بناگاه‌های صنعتی انجامیده که برای ایران جبران این وضعیت به اصطلاح «حمایت‌بان بناگاه‌ها» به‌شکله‌بانگی و منابع طبیعی و-برای اعطای تسهیلات و امتیازات و مواد اولیه ارزان قیمت فشار آورده که نتیجه‌اجازی چند تضعیف نهادهای پولی و فرسایش منابع طبیعی و محیط‌زیستی و تعمیق ناترازی ساختاری در بر نداشته‌است که توسعه (به محاق برده و بناگاه‌ها و اقتصاد کشور و حیات اجتماعی را دچار تعلیق و روزمرگی نموده‌است و متأسفانه اصلی نظام حکمرانی اکنون اما خاتمه دادن به فضای جنگی و حاکمیت راهبرد «توسعه» به جای «بقا» و تدوین «راهبرد توسعه صنعتی» «برمیان دوموفه «زادی» و «قایت» است. «اقتصادی است که بناگاه‌های اقتصادی و صنعتی بخش خصوصی وبنگاه‌های دولتی وشبه‌دولتی، اساس کار باشند.از مابین همه‌الیه‌ها حاکمیت منافع ملی به جای منافع گروه‌های خاص و محدود و تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاری‌هاست.تغییر پارادیمی که ضروری و ممکن اما بسیار سخت و فئسگیر است!

اقتصاد ایران

در پیچ دشوار رکود تورمی (۱)

کاهش سرمایه‌گذاری به معنای فرسوده شدن سرمایه موجود و افت بهره‌وری در سال‌های آینده‌است. در شرایط تورمی بالا، رفتار اقتصادی به‌شدت تابع انتظارات می‌شود. در مدل‌های اقتصادی سارنت-جوت لوکس، وقتی مردم منتظر افزایش دلار با دلار نقدار دادهای دستمزدی، قیمت‌گذاری وحی تصمیمات سرمایه‌گذاری بر اساس همان انتظار تنظیم می‌شود. در چنین شرایطی، تورم حتی بدون افزایش تقاضا نیز ادامه می‌یابد. در اقتصاد ایران نیز افزایش قیمت‌های ناشی از همین سازو کار است که اقتصاددانان آن را تورم انتظاری می‌نامند. رکود تورمی اغلب باعث تغییر ترکیب بازار کار می‌شود. به‌جای افزایش بیکاری رسمی، اشتغال به‌سمت فعالیت‌های غیر رسمی و کمپارده حرکت می‌کند.

این پدیده در اقتصاد برزیل ت رکیه نیز مشاهده شد. در چنین شرایطی نرخ بیکاری می‌مکن است ظلم‌اثبت بماند، اما کیفیت اشتغال کاهش پیدا می‌کند و بهره‌وری نیروی کار افت می‌کند. افزایش سرمایه‌گذاری که تورم‌پالان‌دنا یا پدیده‌ای به نام دام سند سرمایه‌گذاری می‌شود. در این حالت سرمایه‌گذاران به‌جای فعالیت‌های تولیدی بلندمدت منابع خود را به سمت دارایی‌های کوتاه‌مدت مانند زمین، طلا یا ارز ترجیح می‌دهند. افزایش رخ داده‌است و موجب می‌شود سرمایه‌زاد بخش مولد خارج شود. تحقیقات بانک جهانی نشان می‌دهد. اقتصادهای لیسته‌به‌منابع طبیعی اغلب یک چرخه‌سرمه‌حله‌ای چرخه رکود تورمی در اقتصادهای نفتی دارند. سرمایه‌زاد افزایش رخ داده‌است و افزایش هزینه دولت منجر می‌شود. به علاوه شوک خارجی بافت قیمت منابع موجب کسری بودجه‌تورم‌شده و رکود تولید به دلیل افزایش هزینه‌ها کاهش سرمایه‌گذاری اتفاق می‌افتد که این چرخه در حوزه اقتصادهایی مانند ونزلا نیز به‌الجزایر نیز مشاهده‌شده‌است. دکترای اقتصاد و پژوهشگر

برنامه‌ای برای بازسازی

بسیاری از کشورهای که امروز به قدرت‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند، مسیر توسعه خود را از دل بحران آغاز کردند. هر جنوبی پس از جنگ، با همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت نخبگان خارج از کشور، به یکی از قدرت‌های صنعتی جهان تبدیل شد. چنین ه وند نیز با فعال سازی این ظرفیت توانستند جهش‌های بزرگ اقتصادی و فناوری را تجربه کنند.

نفت و انرژی

«تعالُد» از داستان ناترازی بنزین در سال جاری می‌دهد

پایان بنزین بی حساب

ناترازی بنزین در ایران دیگر یک اتفاق مقطعی یا یک نگرانی فصلی نیست به یک روند ساختاری تبدیل شده که هر سال با نزدیک‌شدن به تابستان، بزرگ‌تر می‌شود و مستقیماً روی اقتصاد خانوار، بودجه دولت و حتی تراز ارزی کشور سایه می‌اندازد. تازه‌ترین بز آورده‌ان نشان می‌دهد اگر متوسط مصرف بنزین در سال جاری به حدود ۱۴۰ میلیون لیتر در روز برسد، شکاف میان تولید و مصرف می‌تواند به‌طور میانگین به ۲۵ میلیون لیتر در روز برسد؛ عددی که اگر قرار باشد فقط با واردات پوشش داده شود، صورتحسابی چندمیلیارد دلاری روی میز کشور می‌گذارد.

طبق داده‌های منتشرشده، تولید بنزین کشور در حال حاضر حدود ۱۱۵ میلیون لیتر در روز است. در مقابل، متوسط مصرف بنزین در دو ماهه نخست اسمال حدود ۱۲۵ میلیون لیتر در روز ثبت شده؛ یعنی همین ابتدای سال و پیش از شروع موج سفرهای تابستانی، روزانه حدود ۱۰ میلیون لیتر کسری وجود داشته‌است. این کسری در ظاهر شاید با چند ابزار کوتاه‌مدت قابل مدیریت به نظر برسد، اما مسأله اینجاست که الگوی مصرف در ایران عموماً در نیمه گرم سال جهش می‌کند و به گفته‌همین گزارش، اوج مصرف در تابستان می‌تواند از ۱۴۰ میلیون لیتر در روز عبور کند و حتی تکرار روزه‌های ۱۵۰ میلیون هم دور از ذهن نیست. معنای ساده این روند آن است که اگر تولید تقریباً ثابت بماند، ناترازی به‌جای اینکه یک شکاف محدود باشد به یک فاجعه بزرگ و دائمی تبدیل می‌شود.

برآوردی که در گزارش مطرح شده، یک درجه‌سه‌مالی روشن هم دارد؛ اگر کسری ۲۵ میلیون لیتر در روز از مسیر واردات جبران شود و قیمت هر لیتر بنزین وارداتی حدود ۶۰۰ سنت در نظر گرفته‌شود، هزینه‌روزانه واردات نزدیک ۱۵ میلیون دلار خواهد بود؛ یعنی سالانه حدود ۵۰۵ میلیارد دلار. این رقم در اقتصاد امروز ایران یک عدد عادی نیست؛ ۵۵ میلیارد دلار یعنی فشاری مستقیم بر منابع ارزی یعنی افزایش آسیب‌پذیری در برابر نوسان‌های بازار جهانی یعنی بازشدن یک کانال خروج ارز که هر چه مصرف بالاتر برود،

سختگوی صنعت آب کشور تشریح کرد

ملزومات عبور از تابستان بدون بحران آب

سختگوی صنعت آب کشور با اشاره به تداوم کاهش مصرف آب در شهرهای مختلف، گفت: اگر شهروندان ۱۰ تا ۱۵ درصد دیگر از مصرف خود بکاهدند، امکان عبور از فصل گرم سال بدون بروز مشکلات جدی در تأمین آب فراهم خواهد شد. موضوعی که با مشوق‌های مالی برای مشترکان کم‌مصرف همراه شده‌است.

عیسی بزرگ‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت منابع آبی کشور با توجه به بارش‌های اخیر اظهار کرد: تا تاریخ سوم آبر در ادامه، متوسط بارش در بافتی کل کشور ۲۳۰ میلی‌متر بوده و بر اساس آمار بلندمدت نیز باید همین مقدار بارش دریافت می‌شد که اسمال ۲۲۹ میلی‌متر ثبت شده‌است؛ بنابراین از نظر شاخص‌های آماری، سال این‌جاری در سطح کشور نرمال محسوب می‌شود. وی افزود: این موضوع نباید باعث برداشت اشتباه شود، چرا که آب اسمالی است که باید به‌صورت محلی مدیریت شود. نرمال بودن بارش کشور به این معناست که برخی استان‌ها پر بارش و برخی دیگر کم‌بارش بوده‌اند و میانگین ریاضی بارش، عددی نرمال را نشان می‌دهد. در حالی که این بارش‌ها در جنوب و غرب کشور، کمکی به تأمین آب تهران، مشهد، اراک یا ساوه نمی‌کند.

سختگوی صنعت آب کشور ادامه داد: استان‌های قم و تهران، بیش از ۳۰ درصد کاهش بارش داشته‌اند. همچنین استان های یزد، مرگزی، مازندران، سمنان، گیلان، قزوین، سیستان و بلوچستان، البرز، مازندران و چهرمحال و بختیاری نیز بین ۱۰ تا ۲۳ درصد کاهش بارش را تجربه کرده‌اند. به گفته وی، در مقابل استان‌هایی مانند هرمزگان، بوشهر، ایلام، آذربایجان غربی، کرمانشاه، خوزستان،

صرفه‌جویی ۲۶۰ میلیارد دلاری با سرمایه‌گذاری در انرژی پاک

اژانس بین‌المللی انرژی (IEA) می‌گوید سرمایه‌گذاری در انرژی پاک، برقی‌سازی و افزایش بهره‌وری به ۵۰ واردکننده بزرگ سوخت در جهان کمک کرده تا حدود ۲۶۰ میلیارد دلار، در هزینه واردات سوخت فسیلی در سال ۲۰۲۵ صرفه‌جویی کنند. به گزارش ایسنا، اژانس بین‌المللی انرژی در جدیدترین «گزارش سرمایه‌گذاری انرژی جهان ۲۰۲۶» که در حیوچه گزارش‌های عدم قطعیت ژئوپلیتیکی مرتبط با دامه درگیری‌های خاورمیانه و اختلالات در اطراف تنگه هرمز منتشر می‌شود، اعلام کرد که ریسک‌های مذکور، سرمایه‌گذاری در منابع انرژی داخلی، زیرساخت‌های برق و فناوری‌های کم‌کربن را تسریع می‌کند. طبق گزارش این اژانس، مستقر در پاریس، اکنون سالانه حدود ۶۶۵ میلیارد دلار، به پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در سراسر جهان سرازیر می‌شود. از این رقم، ۲۶۰ میلیارد دلار - تقریباً یک میلیارد دلار در روز - فقط به پروژه‌های خورشیدی اختصاص دارد. در این گزارش آمده‌است: سرمایه‌گذاری‌های مربوط به برق اکنون تقریباً ۶۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری جهانی را تشکیل می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود سرمایه‌گذاری در تأمین برق و زیرساخت‌ها در سال ۲۰۲۶ به ۱۶ تریلیون دلار برسد و با احتساب هزینه‌های برق‌رسانی به مصرف‌کننده نهایی، به ۲ تریلیون دلار افزایش یابد. اژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد کشورهایی که بیشتر در معرض اختلالات عرضه هستند، به سرعت در حال افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر هستند. طبق این گزارش، در جنوب و جنوب شرقی آسیا، میانگین کم‌ترین اکنون حدود ۲۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی هسته‌ای، بهره‌وری و برق‌رسانی در سراسر چین، اتحادیه اروپا، ژاپن و آمریکا، جنوب شرقی آسیا و هند در مجموع حدود ۲۶۰ میلیارد دلار از هزینه‌های واردات سوخت را در سال ۲۰۲۵ کاهش داده‌است. طبق این گزارش، چین به تنهایی حدود ۱۱۰ میلیارد دلار از این صرفه‌جویی در هزینه‌های سوخت - در سال‌های آینده - خواهد داشت. اژانس اعلام کرد که در سال ۲۰۲۶، پنج درصد رشد کرده به ۲۴ تریلیون دلار برسد. این میزان، انتظار می‌رود حدود ۲ تریلیون دلار به انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی هسته‌ای

دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۵ | ۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۷ | سال دوازدهم | شماره ۲۳۳۰ | Mon, Jun 1, 2026

تعاوُل

بازار کار روی گسل

تورم و نااطمینانی

بازار کار ایران سال‌هاست درگیر یک تناقض بزرگ است: از یک سو جامعه‌ای جوان و تحصیلکرده دارد و از سوی دیگر، اقتصادی که توان جذب این نیروی انسانی را ندارد. این بحران اگرچه تازه نیست، اما اثر بار در موج‌های بحران بر رنگ‌تر می‌شود؛ بخش قابل توجهی از بیکاران کشور را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند و بیکاری جوانان نیز در سطحی بالا و نگران‌کننده باقی مانده‌است. این یعنی ما صرافاً با «کمبود شغل» مواجه نیستیم، بلکه با «نامتناسب بودن شغل‌ها با نیازها و آموه‌ها مرت‌ها» هم روبه‌رو هستیم، اما باید دید این بحران از کجا شروع شده‌است؟ پاسخ را باید در ترکیبی از سیاست‌گذاری‌های نیمه‌تمام، ساختار اقتصادی کم‌رقم و غفلت از موج تحولات فناوری جستجو کرد. سال‌هاست در برنامه‌ها و اسناد رسمی، از توسعه دولت الکترونیک، گسترش زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، اقتصاد دیجیتال و رسمیت بخشیدن به مشاغل نو صحبت می‌شود. اما فاصله میان «اعلام سیاست» و «اجرای سیاست» در ایران، همان شکافی است که بازار کار را هر روز فرسوده‌تر کرده‌است. جهان به سمت اقتصاد دیجیتال حرکت کرده‌و در کشورهای توسعه‌یافته سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی به این حوزه گره خورده‌و اما در ایران، توسعه مشاغل مبتنی بر پلتفرم، زیرساخت‌های اینترنتی و زیست‌بوم نوآوری، نه با سرعت لازم پیش رفته و نه حمایت پایدار و قابل اتکا دریافت کرده‌است. نتیجه روشن است و آن اینکه وقتی اقتصاد نتواند به‌روز شود، بهره‌وری آن رتقا نمی‌یابد. بهره‌وری پایین یعنی تولید کمتر و رشد کمتر و رشد کمتر یعنی فرصت‌شغلی کمتر. این چرخه معیوب در نهایت به خروج سرمایه‌انسانی منتهی می‌شود؛ بخشی از جوانان فارغ‌التحصیلان که شغل متناسب نمی‌یابند، مهاجرت می‌کنند؛ بخشی دیگر دلسرد می‌شوند و بازار کار کُتار می‌کشند یا وارد مشاغل غیررسمی می‌شوند. این می‌شوند، به این شرایط باید شوک‌انگیز و آسیب‌زای است. به آینده اقتصادی کشور، به توان نوآوری و به ظرفیت رقابت‌پذیری، اما حتی اگر همه این مشکلات ساختاری و اکثارکنندگان اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با یک عامل سنگین و تعیین‌کننده‌تر هم مواجه بوده‌است، تورم مزمن و فراینده، وقتی گفته می‌شود ۸ تا ۸ سال تورم بالای ۴۰ درصد تجربه شده، باید پیامدهای آن را برای بازار کار دقیق دید. تورم بالا فقط گران شدن کالاها نیست؛ تخریب تصمیم‌گیری اقتصادی است. در فضای تورمی، بناگاه‌نمی‌تواند هزینه‌های آینده را پیش‌بینی کند، سرمایه‌گذاری به تعویق می‌افتد، تولید کوچک‌تر می‌شود و رکود شکل می‌گیرد. رکود هم یعنی توقف توسعه ظرفیت‌ها در صنعت، خدمات و کشاورزی و توقف توسعه ظرفیت‌ها، به زبان ساده یعنی «کار جدید تولید نمی‌شود». به این شرایط باید شوک‌انگیز امنیتی و جنگی یکسال گذشته را هم اضافه کرد؛ شوکی که به گفته حاج‌اسماعیلی، علاوه بر کودبه، تعطیلی بازار کار و آسیب به بخش‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی انجامیده‌است. وقتی ریسک امنیتی بالا می‌رود، کسب و کارها یا فعالیت‌وضع محدود می‌شود. اما محدودیت می‌شود، اما کسب و کارها یا برخی کارگاه‌ها آسیب می‌بینند، بخش خدمات که مستقیماً به قدرت خرید مردم وابسته‌است کوچک‌تر می‌شود و نااطمینانی مالی ردد، نااطمینانی همان عامل نامرئی اما بسیار مؤثر است که حتی اگر «تنش» سه‌برابر شود، به سرعت از بین نمی‌رود، چون تصمیم‌گیرنده‌ها، استخدام و سرمایه‌گذاری، به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری وابسته‌است. نه صرفاً یک بحرخر سیاسی، در چنین فضایی، دولت‌نااسته‌های حمایتی و تسهیلات صحبت می‌کنند اما به‌سبب ضعف موجود، واحفظ کنندگان در دفاع را تعدیل نکنند. اصل حمایت، در دوره بحران قابل دفاع است. اما سرمایه‌انجاست که این بسته‌ها را دقیق طراحی نشوند. پیام هر حل‌ه‌اجرا نرسند، تبدیل به خبرهای کوتاه عمر می‌شوند. از طرفی حتی اگر اجرا شوند، بیشتر نقش «حفظ وضع موجود» دارند نه «ساختن آینده».

فصل وسفر اینجاست که ناترازی از ۱۰ میلیون لیتر فعلی می‌تواند به یک شکاف میانگین ۲۵ میلیون لیتری تبدیل شود؛ شکافی که دیگر با مدیریت‌های روزمره و جابه‌جایی ذخایر قابل جمع کردن نیست.

در چنین شرایطی دو خطر هم‌زمان رخ می‌دهد: نخست، فشار بر ذخایر داخلی و زنجیره توزیع؛ دوم، افزایش احتمال واردات اضطراری. واردات اضطراری معمولاً گران‌تر، پریس‌یک‌تر و پیچیده‌تر است و می‌تواند هزینه نهایی را از آنچه‌روی کاغذ نوشته می‌شود، بالاتر ببرد.

واردات، در کوتاه‌مدت ممکن است تنها راه جلوگیری از کمبود در جایگاه‌ها باشد، اما تبدیل کردن واردات به راهکار اصلی یک تله اقتصادی است: چون مصرف را کنترل نمی‌کند، فقط کسری را می‌پوشاند و در نتیجه هر سال واردات بزرگ‌تر می‌شود. از طرف دیگر، واردات بنزین تنها یک معامله ساده نیست؛ وابستگی به مسیرهای تأمین، هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه، ریسک‌های بازار جهانی و محدودیت‌های نقل‌وانتقال مالی می‌تواند این «راه‌حل ظاهر ساده» را به یک مسأله پیچیده تبدیل کند. اگر قرار باشد ناترازی بنزین واقعاً مهار شود، باید هم‌زمان دو مسیر طی شود: افزایش عرضه و مدیریت تقاضا. اما واقعیت این است که افزایش ظرفیت بالایشی زمانبر و سرمایه‌بر است. به حالی که مدیریت مصرف می‌تواند اثر سریع‌تری داشته باشد. بسته سیاسی عملی برای مدیریت تقاضا می‌تواند روی چند محور متمرکز شود: آنچه‌امروز به نام «ناترازی بنزین» مطرح می‌شود، در واقع این‌هاست از یک انتخاب بزرگ‌تر است یا کشور باید هزینه سنگین واردات را بپردازد و هر سال منتظر جهش مصرف بماند، یا باید با تصمیم‌های دقیق و پیوسته، موتور تقاضا را کنترل کند و هم‌زمان سرمایه‌گذاری برای پایداری عرضه را جلو ببرد. برآورد ۲۵ میلیون لیتر کسری روزانه و نیاز احتمالی ۵۵ میلیارد دلار واردات در سال، فقط یک هشدار عددی نیست؛ علامت این است که اقتصاد انرژی کشور به نقطه‌ای رسیده که بی‌تصمیمی در آن، خودش پرهزینه‌ترین تصمیم است.

سفر و حمل‌ونقل متکی به خودروی شخصی؛ هر جهش در سفرهای جاده‌ای و گردشگری، مستقیماً به افزایش مصرف بنزین ترجمه می‌شود. در نبود شبکه حمل‌ونقل عمومی جذاب و فراگیر، مردم انتخاب‌های محدودی دارند. قیمت‌گذاری وسیگنال‌های مصرف‌وقتی قیمت بنزین به بهبود بهره‌وری خودروها یا حتی پروژه‌های زیرساختی شود، واردات، در بهترین حالت مُسکن است؛ درد را برای چند روز آرام می‌کند، اما بیماری اصلی - رشد تند مصرف نسبت به ظرفیت عرضه - در امدان نمی‌کند.

ایران از نظر ظرفیت بالایشی و تولید فرآورده‌های نفتی کشور کوچک نیست. پس سوال اصلی این است: چرا با وجود تولید روزانه ۱۱۵ میلیون لیتر بنزین، باز هم کسری داریم؟ پاسخ را باید در سه محور دید:

اراک و ساوه بیش از سایر مناطق به مدیریت مصرف آب نیاز دارند. وی با بیان اینکه کشور واردت ز تسالی نشده‌است، گفت: سال گذشته سوم مناطق کشور که بارش بوندا امسال این نسبت برعکس شده و حدود یک سوم کشور همچنان که بارش است، بنابراین این حدود ۲۵ میلیون نفر همچنان در تنش آبی قرار دارند و ادعای ورود کشور به تسالی با داده‌های علمی و واقعیات اقلیمی سازگار نیست.

بزرگ‌زاده درباره احتمال جیره‌بندی آب در تابستان نیز اظهار کرد: جیره‌بندی نه برای شهروندان خوب است، مشکل برای شبکه آب و نه برای منابع آبی. مدیریت مصرف را هکار مناسب‌تری است. جیره‌بندی باعث وارد شدن ضربه به شبکه لوله‌کشی و افزایش نشت آب می‌شود و تجربه‌های گذشته نیز نشان داده که موجب افزایش مصرف و هدررفت آب خواهد شد. سرمایه‌گذاری صنعت آب کشور باید در دو مدیریت مصرف ۱۵ تا ۲۰ درصدی می‌توان بدون نیاز به جیره‌بندی، تابستان را پشت سر گذاشت.

وی در ادامه با اشاره به راهکارهای ساده صرفه‌جویی گفت: استان تهران، البرز و بخش‌هایی از قزوین است که از منابع آب مشترک شامل منابع زیرزمینی و سدهای طالقان، امیرکبیر، لارستان، واملو استفاده می‌کنند. بزرگ‌زاده درباره وضعیت برخی سدهای مهم کشور نیز گفت: سد امیرکبیر ۶۸ درصد، سد لار ۸۰ تا ۹۰ درصد، سد طالقان ۴۹ درصد، سد لتیان ۱۹ درصد و سد ماملو ۱۶ درصد پرشدگی دارد. وی همچنین با اشاره به وضعیت منابع آبی مشهد افزود: سد دجین که نقش مهمی در تأمین آب مشهد دارد، تنها ۵۰ درصد پرشدگی دارد و شرایط مطلوبی برخوردار است. همچنین سد سلاوه ۹ درصد و سد کمال صالح ۲۶ درصد پرشدگی دارند. در حال حاضر تهران، کرج، مشهد،

شکوه‌ها، ذخیره‌سازی، سوخت‌های کم‌آلاینده، بهره‌وری و برقی‌رسانی اختصاص یابد، در حالی که حدود ۱.۲ تریلیون دلار همچنان به نفت، گاز و زغال سنگ اختصاص خواهد یافت. طبق این گزارش، انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری در گاز طبیعی در سال ۲۰۲۶، به ۲۳۰ میلیارد دلار برسد که بالاترین سطح در یک دهه اخیر است و عمدتاً توسط پروژه‌های گاز طبیعی مایع (LNG) در امریکا و قطر هدایت می‌شود. اژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرد پس از سال‌ها عقب‌ماندگی از افزایش تولید برق تجدیدپذیر، در حال جبران عقب‌ماندگی خود هستند. طبق پیش‌بینی اژانس بین‌المللی انرژی، هزینه‌های جهانی در شبکه‌های برق در سال ۲۰۲۶، به حدود ۵۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید که تقریباً ۲۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاری در ذخیره‌سازی باتری، از ۱۰۰ میلیارد دلار فراتر می‌رود. اما این اژانس هشدار داد که تنگناهای زیرساخت برق همچنان یک چالش بزرگ‌است. در گزارش این اژانس آمده‌است: «محدودیت‌ها در سرعت گسترش شبکه‌ها، جمله‌کننده صدور مجوز در بسیاری از موارد، اهمیت سرمایه‌گذاری در استفاده‌هوشمندانه‌تر و کارآمدتر از زیرساخت‌های موجود تأکید می‌کند.» اژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد که با وجود افزایش سریع هزینه‌های انرژی، سرمایه‌گذاری در سوخت فسیلی همچنان قابل توجه‌است. پیش‌بینی می‌شود که سرمایه‌گذاری در بخش انرژی در سال ۲۰۲۶، پنج درصد رشد کرده به ۲۴ تریلیون دلار برسد. این میزان، انتظار می‌رود حدود ۲ تریلیون دلار به انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی هسته‌ای

بازار کار روی گسل

تورم و نااطمینانی

بازار کار ایران سال‌هاست درگیر یک تناقض بزرگ است: از یک سو جامعه‌ای جوان و تحصیلکرده دارد و از سوی دیگر، اقتصادی که توان جذب این نیروی انسانی را ندارد. این بحران اگرچه تازه نیست، اما اثر بار در موج‌های بحران بر رنگ‌تر می‌شود؛ بخش قابل توجهی از بیکاران کشور را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند و بیکاری جوانان نیز در سطحی بالا و نگران‌کننده باقی مانده‌است. این یعنی ما صرافاً با «کمبود شغل» مواجه نیستیم، بلکه با «نامتناسب بودن شغل‌ها با نیازها و آموه‌ها مرت‌ها» هم روبه‌رو هستیم، اما باید دید این بحران از کجا شروع شده‌است؟ پاسخ را باید در ترکیبی از سیاست‌گذاری‌های نیمه‌تمام، ساختار اقتصادی کم‌رقم و غفلت از موج تحولات فناوری جستجو کرد. سال‌هاست در برنامه‌ها و اسناد رسمی، از توسعه دولت الکترونیک، گسترش زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، اقتصاد دیجیتال و رسمیت بخشیدن به مشاغل نو صحبت می‌شود. اما فاصله میان «اعلام سیاست» و «اجرای سیاست» در ایران، همان شکافی است که بازار کار را هر روز فرسوده‌تر کرده‌است. جهان به سمت اقتصاد دیجیتال حرکت کرده‌و در کشورهای توسعه‌یافته سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی به این حوزه گره خورده‌و اما در ایران، توسعه مشاغل مبتنی بر پلتفرم، زیرساخت‌های اینترنتی و زیست‌بوم نوآوری، نه با سرعت لازم پیش رفته و نه حمایت پایدار و قابل اتکا دریافت کرده‌است. نتیجه روشن است و آن اینکه وقتی اقتصاد نتواند به‌روز شود، بهره‌وری آن رتقا نمی‌یابد. بهره‌وری پایین یعنی تولید کمتر و رشد کمتر و رشد کمتر یعنی فرصت‌شغلی کمتر. این چرخه معیوب در نهایت به خروج سرمایه‌انسانی منتهی می‌شود؛ بخشی از جوانان فارغ‌التحصیلان که شغل متناسب نمی‌یابند، مهاجرت می‌کنند؛ بخشی دیگر دلسرد می‌شوند و بازار کار کُتار می‌کشند یا وارد مشاغل غیررسمی می‌شوند. این می‌شوند، به این شرایط باید شوک‌انگیز و آسیب‌زای است. به آینده اقتصادی کشور، به توان نوآوری و به ظرفیت رقابت‌پذیری، اما حتی اگر همه این مشکلات ساختاری و اکثارکنندگان اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با یک عامل سنگین و تعیین‌کننده‌تر هم مواجه بوده‌است، تورم مزمن و فراینده، وقتی گفته می‌شود ۸ تا ۸ سال تورم بالای ۴۰ درصد تجربه شده، باید پیامدهای آن را برای بازار کار دقیق دید. تورم بالا فقط گران شدن کالاها نیست؛ تخریب تصمیم‌گیری اقتصادی است. در فضای تورمی، بناگاه‌نمی‌تواند هزینه‌های آینده را پیش‌بینی کند، سرمایه‌گذاری به تعویق می‌افتد، تولید کوچک‌تر می‌شود و رکود شکل می‌گیرد. رکود هم یعنی توقف توسعه ظرفیت‌ها در صنعت، خدمات و کشاورزی و توقف توسعه ظرفیت‌ها، به زبان ساده یعنی «کار جدید تولید نمی‌شود». به این شرایط باید شوک‌انگیز امنیتی و جنگی یکسال گذشته را هم اضافه کرد؛ شوکی که به گفته حاج‌اسماعیلی، علاوه بر کودبه، تعطیلی بازار کار و آسیب به بخش‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی انجامیده‌است. وقتی ریسک امنیتی بالا می‌رود، کسب و کارها یا فعالیت‌وضع محدود می‌شود. اما محدودیت می‌شود، اما کسب و کارها یا برخی کارگاه‌ها آسیب می‌بینند، بخش خدمات که مستقیماً به قدرت خرید مردم وابسته‌است کوچک‌تر می‌شود و نااطمینانی مالی ردد، نااطمینانی همان عامل نامرئی اما بسیار مؤثر است که حتی اگر «تنش» سه‌برابر شود، به سرعت از بین نمی‌رود، چون تصمیم‌گیرنده‌ها، استخدام و سرمایه‌گذاری، به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری وابسته‌است. نه صرفاً یک بحرخر سیاسی، در چنین فضایی، دولت‌نااسته‌های حمایتی و تسهیلات صحبت می‌کنند اما به‌سبب ضعف موجود، واحفظ کنندگان در دفاع را تعدیل نکنند. اصل حمایت، در دوره بحران قابل دفاع است. اما سرمایه‌انجاست که این بسته‌ها را دقیق طراحی نشوند. پیام هر حل‌ه‌اجرا نرسند، تبدیل به خبرهای کوتاه عمر می‌شوند. از طرفی حتی اگر اجرا شوند، بیشتر نقش «حفظ وضع موجود» دارند نه «ساختن آینده».

فصل وسفر اینجاست که ناترازی از ۱۰ میلیون لیتر فعلی می‌تواند به یک شکاف میانگین ۲۵ میلیون لیتری تبدیل شود؛ شکافی که دیگر با مدیریت‌های روزمره و جابه‌جایی ذخایر قابل جمع کردن نیست.

در چنین شرایطی دو خطر هم‌زمان رخ می‌دهد: نخست، فشار بر ذخایر داخلی و زنجیره توزیع؛ دوم، افزایش احتمال واردات اضطراری. واردات اضطراری معمولاً گران‌تر، پریس‌یک‌تر و پیچیده‌تر است و می‌تواند هزینه نهایی را از آنچه‌روی کاغذ نوشته می‌شود، بالاتر ببرد.

واردات، در کوتاه‌مدت ممکن است تنها راه جلوگیری از کمبود در جایگاه‌ها باشد، اما تبدیل کردن واردات به راهکار اصلی یک تله اقتصادی است: چون مصرف را کنترل نمی‌کند، فقط کسری را می‌پوشاند و در نتیجه هر سال واردات بزرگ‌تر می‌شود. از طرف دیگر، واردات بنزین تنها یک معامله ساده نیست؛ وابستگی به مسیرهای تأمین، هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه، ریسک‌های بازار جهانی و محدودیت‌های نقل‌وانتقال مالی می‌تواند این «راه‌حل ظاهر ساده» را به یک مسأله پیچیده تبدیل کند. اگر قرار باشد ناترازی بنزین واقعاً مهار شود، باید هم‌زمان دو مسیر طی شود: افزایش عرضه و مدیریت تقاضا. اما واقعیت این است که افزایش ظرفیت بالایشی زمانبر و سرمایه‌بر است. به حالی که مدیریت مصرف می‌تواند اثر سریع‌تری داشته باشد. بسته سیاسی عملی برای مدیریت تقاضا می‌تواند روی چند محور متمرکز شود: آنچه‌امروز به نام «ناترازی بنزین» مطرح می‌شود، در واقع این‌هاست از یک انتخاب بزرگ‌تر است یا کشور باید هزینه سنگین واردات را بپردازد و هر سال منتظر جهش مصرف بماند، یا باید با تصمیم‌های دقیق و پیوسته، موتور تقاضا را کنترل کند و هم‌زمان سرمایه‌گذاری برای پایداری عرضه را جلو ببرد. برآورد ۲۵ میلیون لیتر کسری روزانه و نیاز احتمالی ۵۵ میلیارد دلار واردات در سال، فقط یک هشدار عددی نیست؛ علامت این است که اقتصاد انرژی کشور به نقطه‌ای رسیده که بی‌تصمیمی در آن، خودش پرهزینه‌ترین تصمیم است.

سفر و حمل‌ونقل متکی به خودروی شخصی؛ هر جهش در سفرهای جاده‌ای و گردشگری، مستقیماً به افزایش مصرف بنزین ترجمه می‌شود. در نبود شبکه حمل‌ونقل عمومی جذاب و فراگیر، مردم انتخاب‌های محدودی دارند. قیمت‌گذاری وسیگنال‌های مصرف‌وقتی قیمت بنزین به بهبود بهره‌وری خودروها یا حتی پروژه‌های زیرساختی شود، واردات، در بهترین حالت مُسکن است؛ درد را برای چند روز آرام می‌کند، اما بیماری اصلی - رشد تند مصرف نسبت به ظرفیت عرضه - در امدان نمی‌کند.

ایران از نظر ظرفیت بالایشی و تولید فرآورده‌های نفتی کشور کوچک نیست. پس سوال اصلی این است: چرا با وجود تولید روزانه ۱۱۵ میلیون لیتر بنزین، باز هم کسری داریم؟ پاسخ را باید در سه محور دید:

اراک و ساوه بیش از سایر مناطق به مدیریت مصرف آب نیاز دارند. وی با بیان اینکه کشور واردت ز تسالی نشده‌است، گفت: سال گذشته سوم مناطق کشور که بارش بوندا امسال این نسبت برعکس شده و حدود یک سوم کشور همچنان که بارش است، بنابراین این حدود ۲۵ میلیون نفر همچنان در تنش آبی قرار دارند و ادعای ورود کشور به تسالی با داده‌های علمی و واقعیات اقلیمی سازگار نیست.

بزرگ‌زاده درباره وضعیت برخی سدهای مهم کشور نیز گفت: سد امیرکبیر ۶۸ درصد، سد لار ۸۰ تا ۹۰ درصد، سد طالقان ۴۹ درصد، سد لتیان ۱۹ درصد و سد ماملو ۱۶ درصد پرشدگی دارد. وی همچنین با اشاره به وضعیت منابع آبی مشهد افزود: سد دجین که نقش مهمی در تأمین آب مشهد دارد، تنها ۵۰ درصد پرشدگی دارد و شرایط مطلوبی برخوردار است. همچنین سد سلاوه ۹ درصد و سد کمال صالح ۲۶ درصد پرشدگی دارند. در حال حاضر تهران، کرج، مشهد،

شکوه‌ها، ذخیره‌سازی، سوخت‌های کم‌آلاینده، بهره‌وری و برقی‌رسانی اختصاص یابد، در حالی که حدود ۱.۲ تریلیون دلار همچنان به نفت، گاز و زغال سنگ اختصاص خواهد یافت. طبق این گزارش، انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری در گاز طبیعی در سال ۲۰۲۶، به ۲۳۰ میلیارد دلار برسد که بالاترین سطح در یک دهه اخیر است و عمدتاً توسط پروژه‌های گاز طبیعی مایع (LNG) در امریکا و قطر هدایت می‌شود. اژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرد پس از سال‌ها عقب‌ماندگی از افزایش تولید برق تجدیدپذیر، در حال جبران عقب‌ماندگی خود هستند. طبق پیش‌بینی اژانس بین‌المللی انرژی، هزینه‌های جهانی در شبکه‌های برق در سال ۲۰۲۶، به حدود ۵۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید که تقریباً ۲۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاری در ذخیره‌سازی باتری، از ۱۰۰ میلیارد دلار فراتر می‌رود. اما این اژانس هشدار داد که تنگناهای زیرساخت برق همچنان یک چالش بزرگ‌است. در گزارش این اژانس آمده‌است: «محدودیت‌ها در سرعت گسترش شبکه‌ها، جمله‌کننده صدور مجوز در بسیاری از موارد، اهمیت سرمایه‌گذاری در استفاده‌هوشمندانه‌تر و کارآمدتر از زیرساخت‌های موجود تأکید می‌کند.» اژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد که با وجود افزایش سریع هزینه‌های انرژی، سرمایه‌گذاری در سوخت فسیلی همچنان قابل توجه‌است. پیش‌بینی می‌شود که سرمایه‌گذاری در بخش انرژی در سال ۲۰۲۶، پنج درصد رشد کرده به ۲۴ تریلیون دلار برسد. این میزان، انتظار می‌رود حدود ۲ تریلیون دلار به انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی هسته‌ای

سفر و حمل‌ونقل متکی به خودروی شخصی؛ هر جهش در سفرهای جاده‌ای و گردشگری، مستقیماً به افزایش مصرف بنزین ترجمه می‌شود. در نبود شبکه حمل‌ونقل عمومی جذاب و فراگیر، مردم انتخاب‌های محدودی دارند. قیمت‌گذاری وسیگنال‌های مصرف‌وقتی قیمت بنزین به بهبود بهره‌وری خودروها یا حتی پروژه‌های زیرساختی شود، واردات، در بهترین حالت مُسکن است؛ درد را برای چند روز آرام می‌کند، اما بیماری اصلی - رشد تند مصرف نسبت به ظرفیت عرضه - در امدان نمی‌کند.

ایران از نظر ظرفیت بالایشی و تولید فرآورده‌های نفتی کشور کوچک نیست. پس سوال اصلی این است: چرا با وجود تولید روزانه ۱۱۵ میلیون لیتر کسری روزانه و نیاز احتمالی ۵۵ میلیارد دلار واردات در سال، فقط یک هشدار عددی نیست؛ علامت این است که اقتصاد انرژی کشور به نقطه‌ای رسیده که بی‌تصمیمی در آن، خودش پرهزینه‌ترین تصمیم است.